



فردوسی و شاهنامه

ادامه از شماره قبل

گستره پهناور علم و اندیشه‌ی جهان به خوبی آگاه است که در بهمنی بی‌کران تفکر انسانی، خیل بی‌شمار شاعران، موسیقی‌دانان، ریاضی‌دانان، نویسندگان، حکما، فلاسفه و... بسیار فراوانند و فراوان‌تر می‌آیند و می‌روند. اما، در تمام زایش‌های بی‌حد و فزون از شمارش خردورزان جهان و در بین حماسه‌سرایان گیتی تنها دو تن توانستند تمام نگاه‌ها را متوجه‌ی خود کنند:

نخستین = هومر با حماسه‌ی تک‌اندوده‌اش

ایلیاد و اودیسه

دومین = فردوسی با شاه‌کار جاویدانش

شاهنامه

و همین و بس و دیگر هیچ!

دانستن همین حقیقت که فردوسی در بین دانایان و خردمندان و فرزانه‌گان هستی تنها کسی است که توانسته است مقام علم و حکمت و اندیشه و خرد را در داستان‌های حماسی‌اش به زیبایی بی‌مانند و مطلق برساند، کافی نیست که دولت‌مردان ما برای شناساندن بیشتر شاهنامه و سراینده‌اش در درون و برون مرزهای ایران به کاری سترگ و قابل تحسین دست بزنند و بودجه‌ای را برای این امر اختصاص دهند!!

فراموش نکنیم که ژول - مول یکی از بزرگ‌ترین علاقه‌مندان به شاهنامه و نام‌آورترین ادیب فرانسوی ۴۰ سال از زیباترین لحظه‌های شیرین زندگی خود را صرف ترجمه‌ی شاهنامه به زبان فرانسه کرد. این دانشمند فرزانه به حق در شناساندن حکیم فردوسی و شاهنامه به جهانیان خدمتی هزاران بار بیشتر و بالاتر از ایرانیان انجام داده است. وی در دیباچه‌ی شاهنامه‌اش می‌گوید:



آن چه که در شرق درباره شاهنامه نوشته شده چندان ناچیز و اندک است که به هیچ رو نمی‌توان باور داشت به اثری که هشت قرن (ژول - مول در قرن نوزدهم به این کار شگفت‌انگیز دست زد) با چنین دامنه‌ای موردپسند فارسی‌زبانان بوده است، این قدر کم پرداخته باشند. تنها کوششی که از ایرانیان برای پیراستن شاهنامه دیده شده است مربوط به سال ۸۲۹ هجری و به دستور بایستفرخان بوده است اما هیچ تفسیری از سراسر شاهنامه نمی‌شناسیم و.....

به باور ما ادیب فرهیخته و اندیشمند فرانسوی در پیام خود به در گفته است تا دیوار بشنود. کدام شرقی است که از یک ایرانی هم‌وطن و هم‌شهری فردوسی به شاهنامه نزدیک‌تر باشد؟ کیست که چنین ادعایی دارد؟ کلام و باور ادیب خردمند و بزرگوار فرانسوی که از سال ۱۸۳۸ میلادی به ترجمه‌ی شاهنامه مشغول گردید و در سال ۱۸۷۸ آن را به پایان رساند، همداری است برای تمام لحظه‌های خالی از

اندیشه‌ی شهروندان فردوسی و نتیجه‌ی کارشان در این یک هزار سال گذشته که چه کارهایی می‌توانسته‌اند در زمینه‌ی شاهنامه انجام دهند که متأسفانه انجام نداده‌اند.

در تاریخ ادبیات گیتی به راستی کم‌تر کتابی است که این چنین مورد توجه و علاقه‌ی اندیشمندان و فرهیخته‌گان جهان قرار گرفته باشد. در این قسمت شایسته دیدیم تا نگاهی داشته باشیم به کار بی‌مانند حکیم فرزانه‌ی ایران‌زمین و اهمیتی که این کتاب در تاریخ ادبیات جهان دارد. در بیان ویژگی‌های شاهنامه همین قدر بس که گفته شود ده‌ها و

صدها ادیب و دانشمند مشهور جهان از قرن‌ها پیش تاکنون به بازنویسی، بازنگری، نسخه‌برداری، نسخه‌نویسی، ترجمه، نقد، تحلیل و بررسی این اثر عظیم پرداخته‌اند و با جرأت می‌توان ادعا کرد که هیچ کتاب‌خانه‌ی معتبری در سرتاسر گیتی وجود ندارد که حداقل نسخه‌هایی از شاهنامه‌ی حکیم فردوسی را در بین کتاب‌هایش نداشته باشد.

در فهرست زیر اشاره‌ای داریم بسیار مختصر به نام تعداد اندکی از اندیشمندان و شاهنامه‌شناسان بزرگ و ارجمند جهان در طول دو‌یست سال اخیر. ذکر این نکته به جهت یادآوری ضروری می‌نماید. چنان‌چه ما بخواهیم کلیه‌ی کسانی را که در زمینه‌ی فردوسی و شاهنامه سخنی گفته‌اند، مطلبی نوشته‌اند و یا کتابی را منتشر نموده‌اند، در جایی بنویسیم، به راستی تعداد صفحه‌های آن کتاب از کل صفحه‌های شاهنامه بیشتر خواهد شد. بنابراین یادآوری از چندین نام در این فهرست تنها به خاطر تأثیر مستقیم و قطعی و تعیین‌کننده آن‌ها در شناساندن فردوسی



موج شاهنامه‌نویسی و شاهنامه‌خوانی در بین قرن‌های ۱۷ تا ۱۹ میلادی از هندوستان آغاز گردید و سبب شد که اروپائیان نیز به این کتاب علاقه‌مند بشوند و از همین تاریخ است که تعداد بسیار زیادی از اندیشمندان و فرهیخته‌گان اروپایی به نقد و بررسی و تحقیق و تطبیق علمی شاهنامه مشغول می‌شوند و این موج بسیار گسترده در سال‌های پایانی قرن بیستم به اوج خود می‌رسد و به سراسر اروپا منتقل می‌گردد.

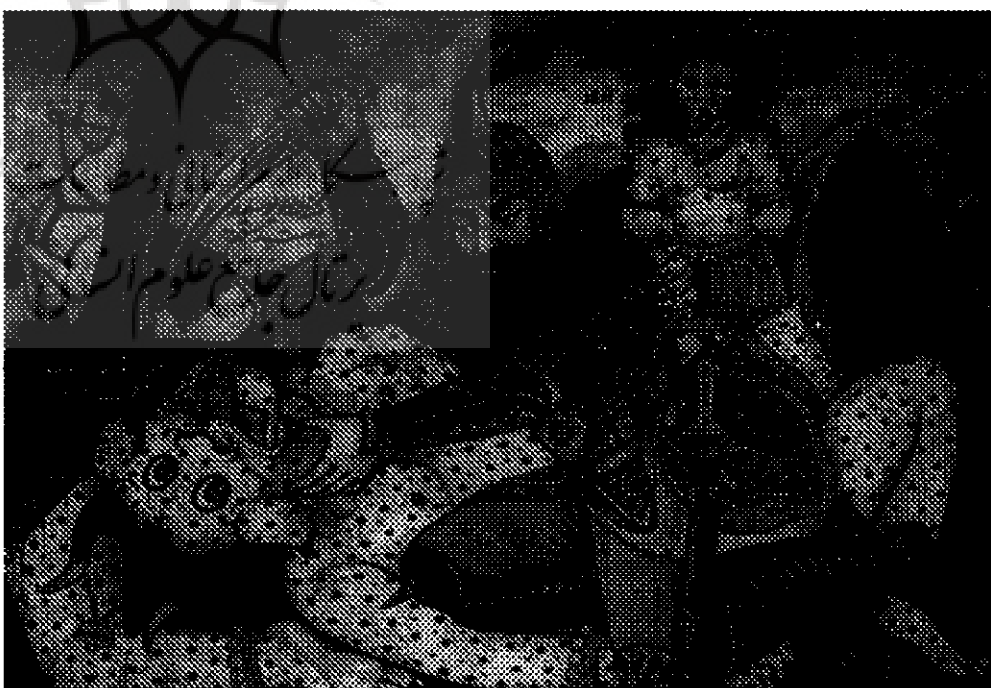
در حال حاضر بخش بزرگی از نسخه‌های خطی استنساخ شده در بین قرن‌های ۱۷ تا ۱۹ میلادی ریشه‌های هندی دارند، یعنی بیش‌تر در شهرهای کلکته و بمبئی تهیه، تدوین و نسخه‌نویسی شده‌اند و اینک سهم بزرگی از گنجینه‌های کتاب‌های خطی کتابخانه‌ها و مراکز علمی و فرهنگی بزرگ و معتبر جهان و مخصوصاً اروپا را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد اصلی، بدلی، الحاقی و غیرالحاقی بودن این نسخه‌ها هیچ صحبتی نداریم، زیرا پیش‌تر به آن پرداخته‌ایم. اینک یادآوری می‌کنیم از کسانی که آغازکننده این راه در چند قرن معاصر بوده‌اند و در مورد فردوسی و شاهنامه تحقیق کرده و آثار ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته‌اند تا ما بتوانیم آثار آن‌ها را مورد بررسی قرار داده و از آن‌ها به خوبی و شایسته‌گی نام ببریم:

۱- نخستین اروپایی که به کار شاهنامه‌خوانی پرداخت و به تحقیق در این زمینه مشغول شد سر - ویلیام - جونز بود که در سال ۱۷۷۴ در لندن به ترجمه‌ی بخشی از آن مشغول شد. وی اصلاً خبر نداشت که محتوای کامل شاهنامه چیست. وی گمان می‌کرد که شاهنامه مجموعه‌ای است از داستان‌های گوناگون تاریخی که در کتابی جمع‌آوری شده‌اند. سر - ویلیام - جونز تنها بخش کوچکی از شاهنامه و قسمتی از هجوتنامه‌ی مشهور را به پیوست ترجمه‌ی لاتینی آن جمع‌آوری و تدوین کرده است. این کار سر - ویلیام - جونز در اسناد کتابخانه‌ی ملی بریتانیا زیر عنوان « THE WORKS OF SIR W. JONES, LONDON, 1807 VOL VIPP.231, 307

دادن به ادبیات کهن پارسی بود، که در این میان بخت فردوسی و شاهنامه‌اش به دادش رسید و در مدتی بیش‌تر از ۲۰۰ سال نوعی عشق و علاقه‌ی فراوان و موج عظیم شاهنامه‌خوانی و شاهنامه‌نویسی و خطاطی و قلم‌زنی و خوش‌نویسی و نسخه‌پردازی در بین قوم مهاجر آغاز شد و به رقابتی تنگاتنگ، اما بسیار گسترده تبدیل گردید و نتیجه آن شد که در طول این مدت ۲۰۰ سال صدها و شاید هزاران نسخه‌ی خطی از شاهنامه‌ی فردوسی نسخه‌برداری، قلم‌زنی، نسخه‌نویسی و خوش‌نویسی شد و نوعی تذهیب و نقاشی و تزئین روی جلد و صفحه‌آرایی و مینیاتورهای بسیار زیبا در جای‌جای صفحات متعدد شاهنامه‌های خطی جای گرفت و بازار خرید و فروش این‌گونه نسخه‌های خطی رواج یافت. تا جایی که اروپائیان و به ویژه انگلیسی‌هایی که بیش‌تر از ۲۰۰ سال بر سرتاسر شبه قاره هند تسلط بی‌چون و چرا داشتند، نسخه‌های خطی زیبا و منحصر به فرد این شاهنامه‌های خطی را خریداری کرده و

و شاهنامه به مراکز معتبر علمی و فرهنگی جهان معاصر بوده است و دلیلی ندارد که از تمام اندیشمندان و فرهیخته‌گانی که در این راه مقدس گام برداشته‌اند و در معرفی هر چه بیش‌تر اندیشه‌های خردمندانه‌ی حکیم بزرگوار ما تلاش کرده‌اند، سپاس قلبی خود را تقدیم نمایم.

توجه اروپائیان به شاهنامه را باید تا حدود زیادی به فرآیند موج مهاجرت شیرازی‌های ایران به هندوستان از اواسط قرن هفدهم میلادی دانست. شیرازی‌های مهاجر به هندوستان که بیش‌تر در نواحی کلکته و بمبئی سکونت اختیار کرده بودند برای پاسداری از سنت‌های ملی و نشان دادن احساسات و باورهای وطن‌پرستانه‌ی خود در کشوری بیگانه، راه بازگشت به فرهنگ و سنت‌های دیرین و گذشته را انتخاب کردند. در این راستا بهترین انتخاب برای تعداد زیادی از مهاجران شیرازی که به دلایل اختلافات مذهبی و فرقه‌گرایی و دگراندیشی و فشارهای بسیار سخت و تعصب آلود پادشاهان و دولت‌مداران



به اروپا آوردند. به همین علت در سراسر کتابخانه‌ها و مراکز علمی اروپا جایی را نمی‌توان یافت که حداقل نسخه‌ای از این دست، در اشکاف‌های خود نداشته باشند.

صفوی، و فشارهای بسیار سخت و تعصب آلود پادشاهان و دولت‌مداران صفوی، ناچار به ترک سرزمینشان و مهاجرت به هندوستان شده بودند برای حفظ و نگاه‌داری از باورهای کهن و دیرپای خود، روی آوردن و روی خوش نشان



منتشر می‌شد به چاپ رساند.

۶- **موراد** - اوسون MOURADGEA D' OHSSON در اصل ارمنی بود. وی در سال ۱۷۴۰ در قسطنطنیه به دنیا آمد و پدرش کنسول سوئد در ازبیر بود. اندیشمندی بود که در زمینه‌ی شناساندن تمدن عثمانی به جهان غرب اسناد فراوانی را مورد بررسی قرار داد و در سال ۱۷۸۷ در پاریس زیر عنوان: «تاریخ عمومی امپراتوری عثمانی» دو کتاب منتشر نمود. موراد - اوسون در کتاب «تاریخ مشرق زمین» که بین سال‌های ۱۸۰۲ - ۱۸۰۵ میلادی در پاریس منتشر کرد، گوشه‌هایی از دودمان کهن ایرانی و مطالب بسیار کوتاهی از شاهنامه را به نگارش درآورده است.

۷- **نی** - اسکات - وارینگ E. SCOTT WARING در سال ۱۸۰۷ در کتاب چهارورقی خود تحت عنوان «سفر شیراز» قسمت‌های بسیاری از شاهنامه را نقل کرده است که بیش‌تر درباره پهلوانان است.

۸- **ویلکن** WILKEN در سال ۱۸۰۷ میلادی در کتاب خود به نام: «بنیادگذاران زبان پارسی» INSTITUTIONES LINGU PERSIC بخش‌هایی از شاهنامه را با ترجمه‌ی لاتینی آن به چاپ رساند.

۹- **والنبورگ** WALLENBOURG در سال‌های ۱۸۰۷ تا ۱۸۱۰ میلادی در شهر وین پایتخت اتریش به ترجمه‌ی کل شاهنامه به نثر فرانسه مشغول شد، اما نتوانست کار را به پایان برساند. به جز یادداشتی درباره شاهنامه که در قطع وزیری در سال ۱۸۱۰ از این دانشمند چاپ شد، کار دیگری از او دیده نشده است.

۱۰- **مقارن** همین سال‌ها کمپانی هند شرقی کسانی را مأمور کرده بود که روی شاهنامه کار کنند. لومسدن (LUMSDEN) که در این زمان معلم زبان‌های فارسی و

دارد. اگر چه کار کنت - لودلف بسیار ارزنده و علمی بوده است، اما معلوم نیست چرا تنها بخش کوچکی از این ترجمه باقی مانده و به چاپ رسیده است؟

۵- **هاگرمان** HAGERMAN در کتابی به نام: MONUMENTI PERSEPOLITANI E FERDUSIO POETA PERSARUM HEROICO ILLUSTRATIO در سال ۱۸۰۱ میلادی در دانشگاه گوتینگن بررسی دقیق و شایسته‌ای را در مورد شاهنامه انجام داد و در این بررسی گوشه‌هایی از داستان جمشید را آورد، اما به شکلی نادرست. همین آقای هاگرمان مدتی بعد از پژوهش‌های اولیه در مورد شاهنامه، قسمتی از زندگانی بهرام گور را ترجمه کرد و در نشریه‌ی «اروپا» که به سردبیری «شلگل»

نگهداری می‌شود و مورد بررسی ما در تنظیم شاهنامه‌ای که پیش‌روی شما است، قرار گرفته است.

۲- **نخستین اروپایی** که تلاش خود را صرف کل شاهنامه کرد، ژوزف - شامپیون (J. CHAMPION) است که آغاز کتاب خود را با عنوان منظومه‌ی فردوسی، ترجمه و به چاپ رسانده است. این کتاب زیر عنوان:

«THE POEMS OF FERDOSI» در سال ۱۷۸۵ میلادی در ۳۱۵ صفحه‌ی چهار ورقی در کلکته به چاپ رسیده و هم اینک در کتاب‌خانه‌ی ملی بریتانیا در لندن موجود می‌باشد. ژوزف - شامپیون خلاصه‌ای از مقدمه‌ی شاهنامه را در دیباچه‌ی کتاب خود گنجانده است. وی شاهنامه را به شعر ترجمه کرده، اما بسیار درهم و در مواردی نه چندان کم نامفهوم است. برخی از جمله‌بندی‌های متن نادرست است. کار او به عروسی زال و رودابه پایان می‌پذیرد. این اثر یک بار دیگر در سال ۱۷۹۰ میلادی در لندن و در قطع رحلی کوچک تجدید چاپ شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. در ترجمه‌ی ژوزف - شامپیون علاوه بر نادرستی‌های فراوان، راجع به سراینده منظومه و سبک شاعر اطلاعاتی در اختیار خواننده نمی‌گذارد.

۳- **کنت لودلف** (COUNT LUDOLF) آلمانی در بین سال‌های ۱۷۸۵ - ۱۷۹۰ میلادی یعنی هم‌زمان با ژوزف - شامپیون مشغول ترجمه‌ی شاهنامه به زبان آلمانی بوده است. گفته شده است که کنت - لودلف سراسر شاهنامه و یا بخش بزرگی از آن را به نثر ترجمه کرده است، اما در حال حاضر به جز قسمت‌هایی درباره داستان جمشید و ضحاک چیز دیگری از کار ارزنده و شایسته‌ی این ادیب آلمانی در دست نیست. کتاب‌خانه‌ی برلین نسخه‌ای از کار این ادیب را در بخش نسخه‌های شاهنامه در اختیار





دومی: داستان سام و زال را به آلمانی ترجمه کرده و به چاپ رسانده بود.

۱۵- در سال ۱۸۲۰ آقای گوئر آلمانی (GOERRES) خلاصه‌ای از کل شاهنامه را به زبان آلمانی در برلین ترجمه کرد و به راستی کار شایسته‌ای انجام داده است.

۱۶- آقای راس ROSS در سال ۱۸۲۰ در لندن طرح ترجمه‌ی کامل شاهنامه را پی‌ریزی کرد، اما این نیز بیش‌تر از چند قسمت کوچک از زیر

"SOOHRAB POEM, FREELY TRANSLATED FROM THE ORIGINAL PERSIAN OF FIRDOSEE" BY JAMES ATKINSON CALCUTTA, 1814.

۱۲- در سال ۱۸۱۵ در لندن کتاب کوچکی چاپ شد به نام: «داستان‌هایی از شاهنامه‌ی فردوسی» تألیف استفن - وستون - این کتاب ترجمه‌ای بود به نثر و به قطع وزیری و به صورت خلاصه شده.

"EPISODES OF THE SCHAH - NAMEH OF FIRDOSEE, TRANSLATED INTO ENGLISH VERSE" BY STEPHEN WESTON, 1815.

عربی در دبیرستان فور - ویلیام بود، مأمور ترجمه‌ی شاهنامه شد. لومسدن با تلاشی چشمگیر و عالی کار خود را آغاز کرد و از همان نخستین روزهای کار، ستادی از چندین نفر تشکیل داد و مشغول بررسی، تطبیق و مقایسه‌ی ۲۷ (بیست و هفت) نسخه گردید.

نتیجه‌ی کار لومسدن تنها یک جلد بود به نام: «شاهنامه، رشته‌ای از اشعار حماسی تاریخ باستانی ایران» اثر ابوالقاسم فردوسی توسی در هشت جلد.

"THE SCHAH - NAMU, BEING A SERIES OF HEROIC POEMS ON THE ANCIENT HISTORY OF PERSIA", BY THE CELEBRATED ABOOL-KAUSIM-I FIRDOUSEE OF TOOS, IN EIGHT VOLUMES.

نخستین جلد در سال ۱۸۱۱ در کلکته در قطع دو ورقی به چاپ رسید، اما از نظر علمی و تحقیقی و انتقادی پاسخ‌گوی انتظار اندیشمندان و صاحب‌نظران در این زمینه نبود و از شخصیت علمی مانند لومسدن انتظار بیش‌تری می‌رفت. لومسدن اگر چه در تهیه‌ی این کتاب از هفت نسخه‌ی خطی دیگر کمک گرفته بود، اما هرگز به اصالت و ارزش علمی نسخه‌های مورد استناد و استفاده اشاره‌ای نکرده بود. نسخه‌ای را که لومسدن به عنوان اساس کار و مأخذ تحقیق خود قرار داده بود، نسخه‌ی غیرمعتبری بود که در قرن هفدهم نوشته شده و در اختیار سر - جان - ملکم قرار داشت و از او به عاریت گرفته بود. ژول مول می‌گوید که مدت‌ها نسخه‌ی مذکور را مورد بررسی قرار داده است. وی عقیده دارد که استنساخ‌کننده نسخه‌ی موردنظر لومسدن که از سرجان‌ملکم به عاریت گرفته بوده است، هیچ‌گونه اطلاعی از نسخه‌های علمی و معتبر نداشته و هر آن‌چه که در نظرش آمده است در این نسخه آورده است. کار لومسدن در زمینه‌ی شاهنامه چون از اعتبار علمی و شایسته‌ای برخوردار نبود پی‌گیری نگردید.

۱۱- در سال ۱۸۱۴ میلادی کتابی در کلکته چاپ شد به نام «حماسه‌ی سهراب» مؤلف این کتاب دانشمندی شاهنامه‌شناس به نام «جیمز - اتکینسون» انگلیسی بود که کتاب را در قطع وزیری منتشر کرد.

۱۳- در سال ۱۸۱۶ اندیشمند دیگری به نام وال (WALL) در جلد پنجم از کتابی به نام: «چهره‌های مشرق زمین» وعده داد که به زودی متن کاملی از شاهنامه‌ی فردوسی را ترجمه کرده و به چاپ خواهد رساند. به نظر می‌رسد نامبرده در کار خود موفق نشد و به جز قسمت بسیار کوچکی از شاهنامه را که یادداشت‌هایی نیز ضمیمه‌ی آن بود، چیز دیگری چاپ نشد.

۱۴- در سال ۱۸۱۸ آقای هامر HAMER موفق شد هفت‌خوان اسفندیار و داستان سهراب را به شعر آلمانی ترجمه نماید. در عین حال مؤلف یادشده مدتی پیش از این، دو داستان دیگر از شاهنامه را، اولی: داستان خسرو و شیرین و

چاپ درنیامد.

۱۷- در سال ۱۸۲۹ ژول - مول بخش‌هایی از زندگی گشتاسپ را به زبان فرانسه ترجمه و منتشر نمود.

۱۸- سرانجام در سال ۱۸۲۹ متن کامل ترجمه‌ی شاهنامه پس از قرن‌ها تلاش بی‌وقفه پژوهش‌گران و شاهنامه‌شناسان، از زیر چاپ درآمد. این شاهنامه مقدمه‌ای دارد به زبان انگلیسی که ناشر کتاب از موقعیت خود و زندگی فردوسی خبر می‌دهد. سرآغاز کتاب متن دیباجه‌ی شاهنامه است که با اندیشه‌های نسخه‌نویس در هم آمیخته و سپس متن کامل شاهنامه به چاپ رسیده است. پایان کتاب شامل



حکیم والا گهر ما نیستند. تمام این‌ها و آن‌چه که غیر از این‌ها در گنجینه‌ی علم و فرهنگ بشری قرار دارند و امروز در دسترس ما و سایر دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به شاهنامه قرار گرفته‌اند، تمام بیت‌های سروده شده از سوی حکیم فردوسی نیستند.

بنابراین وظیفه‌ی شاهنامه‌شناسان و بار مسؤلیت پژوهش‌گران داستان‌های حماسی ایران در سراسر جهان سنگین‌تر خواهد شد وقتی متوجه شوند که آن‌چه را که تاکنون به دست آورده‌اند تمام آن چیزی نیست که برایش سال‌ها تلاش کرده‌اند. پس کار پژوهش و تطبیق علمی بیت‌ها هم‌چنان باید ادامه یابد تا متنی شسته و کامل و

بعد در ایران و اروپا منتشر شد گام‌های کوچک و بزرگ دیگری هستند در راستای شناساندن شاهنامه‌ی فردوسی که از این جهت هنوز در آغاز راه هستیم.

آیا این همه عزت و احترام و کرامتی که پارسی‌زبانان، شاهنامه‌شناسان و فرهیخته‌گان سرتاسر گیتی برای ابرمرد ادب و حماسه‌ی ایران‌زمین، حکیم ابوالقاسم «فردوسی» قایل هستند، کافی نیست تا شهروندان و هم‌وطنان فردوسی را عبرتی باشد که با شایستگی از وی و کتاب شگفت‌انگیزش در تمام بخش‌های آموزشی و دانشگاهی یاد کنند و یا چند واحد درسی را به شناخت حکمت فردوسی در

داستان‌ها و اشعار الحاقی است که از فردوسی نیست. مؤلف بزرگ این کتاب تونو - ماکان می‌باشد که با مهارت فارسی صحبت می‌کرد و به ادبیات فارسی عشق می‌ورزید و با ژول - مول رابطه‌ی دوستی داشت. کتاب تدوین شده توسط ترنر ماکان به نام: «شاهنامه حماسه‌ی ابوالقاسم فردوسی» نام داشت.

"THE SHAH-NAMEH AN HEROIC POEM BY ABOOL-KASIM FIRDOOSEE" PUBLISHED BY TURNER MACAN. CALCUTTA. INDIA در کلکته و در چهار جلد ۸ ورقی به چاپ رسید. ترنر ماکان تقریباً تمام آن‌چه را که در متن شاهنامه‌ی «لومسدن» وجود داشت، در متن شاهنامه‌ی خود آورده است.

۱۹- در سال ۱۹۳۲ پژوهش‌گر و اندیشمند انگلیسی جیمز اتکینسون JAMES ATKINSON ترجمه‌ای از شاهنامه به نظم و نثر به زبان انگلیسی در لندن چاپ کرد که با «حماسه سهراب» که پیش‌تر و در سال ۱۸۱۴ توسط همین شاهنامه‌شناس چاپ شده است، متفاوت می‌باشد.

"THE SHAH-NAMEH OF THE PERSIAN POET FERDAUSI TRANSLATED AND BRIDGED IN PROSE AND VERSE" BY JAMES ATKINSON

۲۰- در سال ۱۸۳۳ فولوس (وولترس) شاهنامه‌شناس آلمانی مجموعه‌ای از بخش‌های مختلف شاهنامه را به زبان آلمانی ترجمه و در شهر بُن به چاپ رساند و در پایان فرهنگ‌نامه‌ی به آن اضافه کرد. نسخه‌ای از این ترجمه در کتاب‌خانه‌ی بزرگ برلین وجود دارد.

۲۱- سرانجام چگونه می‌توان از ادیبی اندیشمند و شاهنامه‌شناس و پژوهش‌گری خردمند و آگاه به نام ژول - مول یاد نکرد که از سال ۱۸۳۸ تا ۱۸۷۸ میلادی با استفاده و استناد به ده‌ها نسخه‌ی خطی شاهنامه و طی مدت ۴۰ سال دست به کار سترگی زد و شاهنامه‌ی فردوسی را تمام و کامل به زبان فرانسه ترجمه نمود و نام فردوسی و شاهنامه را در مراکز علمی و فرهنگی دنیا و به ویژه اروپا برای همیشه جاویدان و ماندگار کرد. و چاپ‌های متعددی که در سال‌های ۱۸۳۹ - ۱۸۴۰ - ۱۸۴۹ - ۱۸۵۹ - ۱۸۷۴ میلادی در شهرهای مختلف هندوستان و در سال‌های



شاهنامه اختصاص دهند!

بدون عیب و نقص و صددرصد خالص و متعلق به فردوسی در اختیار علاقه‌مندان شاهنامه در سراسر گیتی قرار گیرد و این وظیفه‌ی بزرگی است که بر شانه‌ی تک‌تک عاشقان استقلال و رهایی فکر و فرهنگ و زبان پارسی و علاقه‌مندان به شاهنامه سنگینی می‌کند و سرانجام روزی باید به تحقق برسد.

برای آگاهی بیش‌تر نگاه کنید به کتاب «حماسه حماسه‌ها» تحلیل، نقد و بررسی شاهنامه در دو جلد نگارش همین نویسنده.

بدون تردید اختصاص یک ساعت به منظور تحلیل و تفسیر بخش‌های مختلف شاهنامه در کلاس‌های درسی ما واجب‌تر است و یا ساعت خیاطی و یا رونویسی و یا ورزش و یا آشپزی و یا کاردستی ... که زنگ تفریح و ساعت خواب دانش‌آموزان است و ساعت استراحت آموزگاران. حقیقت را ببینیم و باور کنیم

آن چه که توضیح آن ضروری می‌نماید این است که هیچ یک از شاهنامه‌هایی که تاکنون کشف شده، شناخته شده، تهیه شده و به نگارش درآمده‌اند، کلام کامل و متن تمام شده و واقعی



توضیح بسیار مهم انتشارات شاهنامه

اندیشه، خرد، حکمت و دانشمندی شاعر بزرگ و حماسه‌سرای نامی ایران و جهان ما را در تنگنایی اخلاقی و علمی قرار داده است. از این رو حقیقتی را با شما در میان می‌گذاریم. بیان حقایق علمی و ادبی و نقد و تفسیر و پژوهش موشکافانه از یک اثر شگفت‌انگیز همانند «شاهنامه‌ی فردوسی» دلیل فضل‌فروشی، بی‌حرمتی، نفی تلاش‌های انجام شده، بی‌توجهی، نقد نابخرادانه و یا عیب‌جویی از کار سترگ و پژوهش خردمندانه و چندین و چند ساله‌ی پژوهشگران پیش‌تر از ما نیست، بلکه ادامه‌ی کار تحسین برانگیز آن بزرگواران است که به ما جرأت داده‌اند تا خود را شریک باورهای مثبت و بالنده آن‌ها در این اثر جهانی بدانیم. بنابراین قصد ما از ورود در این بحث اصلاح راه کارهای قابل انتقاد گذشته است تا جایی که در توان ما باشد.

۱- نگاه بسیار دقیق و پژوهش‌گرانه به متن تصحیح شده شاهنامه‌ی چاپ مسکو، این واقعیت را آشکار می‌کند که شاهنامه‌ی یاد شده، به تأیید تصحیح‌کنندگان آن، به وسیله‌ی چندین گروه، تصحیح، بازنویسی، تهیه و چاپ گردیده و در هر فصل و یا هر بخش از آن شاهنامه‌ی نه جلدی، قلم ویژه‌ای به عنوان شیوه نگارش به کار رفته است. قلم‌های متفاوت باعث شده است تا آیین نگارش قانون‌مند و متحد و یکسان در سراسر شاهنامه فراموش شود. این انتخاب قلم به معنی دست بردن در متن و اشعار اصلی نیست. منظور این است که هر یک از گروه‌های تهیه‌کننده با توجه به باورهای خود بیت‌هایی را که اصالت آن‌ها نزدیک به یقین است انتخاب کرده‌اند و بهترین گزینه به حساب می‌آید. اما، در آیین نگارش سراسری متن، آن اتحاد و هماهنگی مورد انتظار یک خواننده پژوهش‌گر وجود ندارد و اگر توضیح و یا

تصحیحی پیشنهاد شده است، دست بردن در متن اصلی و بیت‌های انتخاب شده نمی‌باشد و این را به حساب گناه نابخشودنی ما نگذارند.

۲- در بیش‌ترین قسمت‌های متن، شاهنامه‌ی چاپ مسکو، کلمه‌های ترکیبی به هم چسبیده‌اند و آیین نگارش پیوسته‌نویسی (سبک قدیم) رعایت شده است. در قسمت‌های کم‌تری از متن، آیین ناپیوسته‌نویسی (سبک جدید) به کار رفته است و این دوگانگی در سراسر شاهنامه وجود دارد. ما به آیین نگارش ناپیوسته‌نویسی در کل متن شاهنامه روی آورده‌ایم، بدون این که کوچک‌ترین دخل و تصرفی در متن کرده باشیم. تلاش ما بر این بوده و هست که با پیش گرفتن شیوه نگارش ناپیوسته‌نویسی، آیین نگارش این اثر جاودانی را زیباتر کنیم.

۳- در بخش‌هایی از متن، حرف «ب» به صورت حرف اضافه و یا ربط به اول کلمه‌های دیگر چسبیده است و در قسمت‌هایی نیز جدا از کلمه به صورت مستقل و به شکل «به» درآمده است و این دوگانگی نیز در سراسر شاهنامه وجود دارد. ما سعی کرده‌ایم حرف «ب» را جدا از کلمه و به شکل «به» بنویسیم؛ مگر در مورد افعال و برخی استنایاها.

۴- برای جلوگیری از اشتباه‌خوانی نوآموزان زبان فارسی به ویژه در خارج از کشور، کلمه‌ی واژه‌های عربی که به «الف مقصوره» ختم می‌شوند و در هنگام خواندن با صدای «آ» خوانده می‌شوند، به شکل حقیقتی آن نوشته و خوانده شده‌اند. مانند فتوی، تقوی و کسری که ما نوشته‌ایم فتوا، تقوا و کسرا، مگر در موارد برخی از استنایاها.

۵- ما سعی کرده‌ایم با استفاده از برخی از قسمت‌های متن، ساده‌نویسی، آسان‌خوانی، ناپیوسته‌نویسی و فارسی‌نویسی را

جای‌گزین پیچیده‌نویسی، پیوسته‌نویسی و عربی‌نویسی کنیم.

۶- با ایمان راسخ به درستی کارمان در امانت‌داری متن شاهنامه، حاشا اگر کلمه، جمله و یا عبارتی را در یک مصرع یا بیت و یا یک داستان حذف کرده و واژگانی خود ساخته را جای‌گزین متن اصلی کرده باشیم، مگر با توجه به منابع و مآخذ معتبر خطی و یاد شده در زیرنویس همان صفحه.

۷- شخصیت علمی، ادبی و فرهنگی فردوسی آن قدر بزرگ و نامی است که به افراد گم‌نامی مانند ما جرأت حضور و دخالت در کتابش را نمی‌دهد و اگر کلامی برای گفتن داریم، واژگانی است که از استادان زبان، ادب، حکمت و فرهنگ ایران زمین به وام گرفته‌ایم و یا آموخته‌ایم و نه بیش‌تر.

۸- این باور ما است:

اگر بتوانیم به دور از هر گونه خودخواهی، انحصارطلبی، واپس‌نگری و سستی‌اندیشی، با متن شاهنامه کنار بیاییم و با استفاده از راه‌کارهای ساده‌تر آموزشی، از پیچیدگی‌های فنی و سستی ادبیات فارسی بکاهیم و به علاقه‌مندان زبان فارسی و به ویژه فارسی‌آموزان برون مرزی در سراسر دنیا کمک کنیم تا متن شاهنامه و دیگر متن‌های ادبی ما را که میراث گران قدر بشری است، درست‌تر بخوانند، آسان‌تر بفهمند و روان‌تر تفسیر کنند، خدمتی بزرگ، شایسته و درخور ستایش و سپاس به زبان فارسی و استاد بی‌چون و چرای آن، فردوسی بزرگ، کرده‌ایم.

انتشارات شاهنامه

مجله‌ی فردوسی